

«اوپیک» درافت و خیز یک ربع قرن تندباد حوادث

رشد اقتصادی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان در نیم قرن اخیر به ویژه در ستر سالهای پس از او به حد کمرسختن رسید. بر اثر رشد دوم جنگ جهانی و در چهارچوب مناسبات و به تنش ها و تضادهای در به رشد جوامع سرمایه داری به بازگشتی فصل جدیدی در روابط اقتصادی بین دول جهان انجامید.

اولیه سازمانهای جدید اقتصادی به مثابه فرآیندی از نوع جدید روابط حاکم بر جهان سرمایه داری، کار تقسیم منابع در این میان تشکیل سازمان کشورهای صادر نفت (اوپیک) در ۱۵ سپتامبر ۱۹۶۰. در محصوره دیگر تشکیل یافتند. در این میان اولیاد به لحاظ موضوع گیری صادرات آن اعضا می را در اول محور قرار دادند. به ویژه کشورهای تولیدکننده نفت از موجودیت خود به عنوان یک عامل کارآمد گسترده نفس فدا می کنند. آنچه پیش روی و در اول سببهای حوادث، تلاش برای است بر سر تحولات به راهی از آغاز ۵۰ کشور عضو آن امروز ۱۳۶ کشور عضو که توسط یکی از کارشناسان نفتی و صاحب نظران در امور اوپیک به نگارش درآمده است.

دلایل صعود قیمت های نفت

در آغاز و به عنوان مقدمه لازم است در رابطه با وضعیت عرضه و تقاضای انرژی در جهان و ادعایی که اوپیک در این زمینه دنبال می کند مطالبی عنوان و بر پایه آن وضع قیمت در آینده پیش بینی شود.

تا سال ۱۹۷۲ که تعدیل عرضه قیمت نفت صورت گرفت و قیمت نفت دوباره شد کنترل تولید، مصرف، حمل و نقل، بلافاصله و بطور کلی بحرانهای اقتصادی از سر پدید آمدن. قیمت نفت به مصرف نفت نهایی در اختیار شرکت های عمده نفتی بود. این شرکتها در قیمت نفت گفتمانی گرفتاری و عرضه نفت را بر عهده داشتند.

در سالهای دهه ۵۰ شروع پیش های ملی شدن صنایع نفت در کشورهای دنیا و به خصوص در داخل سازمان اوپیک، اندرچه باعث بروز دگرگونی های در این روند شد، ولی قیمت که باعث می بود نفت به قدرت باقی مانده خود شد. جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ بود در طرف این جنگ به دلیل بسته شدن کانال سوئز و تحریم عرضه نفت، قیمت های نفت در بازارهای نفتی به شدت افزایش پیدا کرد. اوپیک از اوپیک این زمان به این حقیقت پی برد که در صورت کنترل تولید و عرضه، قیمت نفت بالا خواهد رفت. ولی این قدرت باقی مانده از سوی کشورهای اوپیک تا سال ۱۹۷۱، چیکجا، بکار گرفته شد. این سال به حدی با ایجاد تحولاتی در سطح اقتصادی جهانی و بخصوص با نگرانی که امریکا در سطح روابط پرولی و اقتصادی خود انجام داد به تدریج دگرگونی های در این زمینه بوجود آورد. تا سال ۱۹۷۱ حدود ۸۰ درصد معاملات نفت به دلار انجام می شد. برایش بهای نفت به دلار موجب می شد تا با کاهش شدن ارزش برابری دلار نسبت به سایر ارزها در سالهای ۱۹۷۰-۳۰ در حقیقت قدرت خرید کشورهای عضو اوپیک کاهش یافت. از سوی دیگر افزایش تورم داخلی امریکا و از سایر کشورهای صنعتی که صادر نفت به ۷۵ درصد کشورهای سازمان سوم هستند، موجب کاهش قدرت خرید کشورهای خریدار از جمله اعضاء اوپیک می شود.

بنابر این به دلیل افزایش نرخ تورم کشورهای صنعتی و همچنین نوسانات دلار و مقابل سایر ارزها، قدرت خرید ناسی از بهای یک بشکه نفت، روز بروز کاهش یافته و

می باشد. بخوان مثال ۱۵ دلاری که امروز برای یک بشکه نفت پرداخت می شود با ۱۵ دلاری که در سال گذشته از این بابت حاصل می شد. از قدرت خرید بگشتی برخوردار شد. در این میان استیلا بر اقتصاد مناسبات اشاره ای به افزایش تولید بود. در امریکا و آمریکا و انگلستان ارزش برابری دلار امریکا نیز انجام شد.

در سال ۱۹۷۱، آمریکا به دلیل بحرانهای در ویتنام، ناگزیر مستقیم طلا را از روابط پرولی عرضه نفت گرفت و ارتباط قیمت دلار و طلا که موجب تثبیت قیمت آن در بازارهای جهانی شده بود، در اوت ۱۹۷۱ قطع شد. آمریکا در قاصدها سالهای ۱۹۶۳ - ۱۹۶۶، ارزش برابری دلار را به میزان ۱۵ درصد کاهش داد.

کاهش ارزش برابری دلار به دلیل اینکه نسبت عرضه در آمد حاصل از فروش نفت به دلار حاصل می شد بر روی براسا تاثر منفی بر جای گذاشت و از قدرت واقعی خود ما کاست. این مسئله موجب شد تا در گفتمانی تهران در ۱۹۷۲ کشورهای عضو اوپیک و شرکت های تولیدی بر سر افزایش قیمت نفت به طور اجمالی توافق کردند. براسا این افزایش قیمت تا سال ۱۹۷۵ بتدریج صورت گرفت و به این وسیله اوپیک سعی کرد تا قدرتی را که برابر قیمت روابط دلار و طلا طرحه آن شده بود جبران کند. حرکت اوپیک در این زمینه صنعتی بود. زیرا در کشورهای صنعتی شد. کشورهای نفتی این حرکت را با کاهش ارزش قیمت نفت قضاوت می کردند. در یک فاصله حدود ۱۰ ساله خود را با شرایط جدید منطبق ساختند و از اواخر سال ۱۹۷۵ بتدریج دوران رکود در کشورهای صنعتی پشت سر گذاشته شد و این کشورها به دوران شکوفایی اقتصادی گام گذاشتند.

اقدامات غرب در مقابله با اوپیک

از جمله اقدامات کشورهای صنعتی برای مقابله با اوپیک، تعیین کار با آن روبرو شدند. افزایش نقدیگی بین افزایش نقدیگی همراه با پیدایش شکوفایی اقتصادی موجب بالا رفتن سریع نرخ تورم در این گروه از کشورهای جهان شد.

افزایش نرخ تورم در کشورهای صنعتی بار دیگر به کشورهای مصرف کننده کالا و محصولات این کشورها و

از جمله صنعتی عضو اوپیک صادر شد و در نهایت کشورهای صنعتی بخشی از افزایش قیمت نفت را از طریق افزایش بهای کالاهای صادراتی و خدمات و انتقال تورم خود به کشورهای تولید نفت و کشورهای دیگر جبران کردند. از سوی دیگر کشورهای عضو اوپیک به منظور جبران این کسری در امد علاوه بر افزایش در امد خود از طریق افزایش قیمت ها، به جهت در امد بیشتر خود را نیز افزایش دادند. باید به این مسأله نیز توجه داشت که در آن زمان هر مقدار نفت که به بازار عرضه می شد، طلب می شد و امد نشان می داد که حرسب مصرف نفت، نسبت به تولید ناخالص ملی، در حدود ۲ درصد بود. یعنی به ازاء هر یک واحد تولیدی در کشورهای صنعتی، مصرف نفت ۲ درصد افزایش می یافت. رشد روز افزون مصرف نفت و در کنار آن افزایش تعدی قیمت ها موجب شد تا کشورهای صنعتی به ضرورت کاهش مصرف نفت پی ببرد که این موضوع منجر به اقدام کشورهای صنعتی برای تشکیل کمیته انرژی بین المللی انرژی شد. پایه گذار این کمیته نفتی کسپتوره و دولت امریکا بودند. در حال حاضر نیز این کمیته تحت حمایت دولت امریکا که نقش فعالی در اعاده حاکمیت در این امر ایفا می کند، بطور کامل برخوردار است. وظیفه این کمیته تعیین سیاست های داخلی مربوط به انرژی کشورهای مصرف کننده انرژی است. سیاست های اختلاف شده از سوی این سازمان عبارت بود از: استفاده از تکنولوژی در جهت مصرف کمتر از نفت در فعالیت های اقتصادی.

در زمینه مصرف سوخت - متداول ساختن سیاست صرفه جویی در میان کشورهای مصرف کننده و ایجاد هماهنگی میان این کشورها - در زمینه مصرف سوخت - استفاده حاکم از منابع و نیروهای جایگزین نفت از جمله ذغال سنگ و انرژی هسته ای.

با اتخاذ این سیاست ها، پس از ۱۹۷۲ تا سال ۱۹۷۶ روند مصرف در پائین آمد. ولی از سال ۱۹۷۶ مجدداً با دلار رفتم رشد اقتصادی، مصرف نفت نیز روند صعودی پیدا کرد.

افزایش دوباره مصرف در کشورهای صنعتی که حاضر به پرداخت بایستی بیشتری برای خرید مصرفی خود نبودند و مذاکرات میان کشورهای عضو اوپیک و کشورهای چندملیتی منجر به تشکیل کنفرانس الجزایر شد که در آن سران کشورهای عضو اوپیک، اقدام به صدور بیانیه ای کردند که در بیانیه اول الجزایر موسوم شد. در این بیانیه تصمیم گرفته شد که کشورهای عضو از کاهش تدریجی کاهش درآمدهای نفتی و کاهش تدریجی قدرت خرید خود جلوگیری کنند.

مجاهدتهای کشورهای عضو اوپیک و کشورهای مصرف کننده در افزایش قیمت نفت تا توجه به قیمت قابل توجه، کشورهای چندملیتی در این میان تا زمان برپایی انقلاب اسلامی ایران ادامه یافت.

به دنبال وقوع انقلاب اسلامی، کاهش تدریجی و سپس قطع صادرات نفت ۶۰ تا ۸۰ میلیون بشکه در روز ایران، موجب کاهش سریع قیمت های نفت شد و قیمت نفت از یکشنبه ۱۲ دلار طرف ۲ سال به ششگانه ۴ دلار افزایش یافت.

«اوپیک» درافت وخیز یک ربع قرن تندباد حوادث

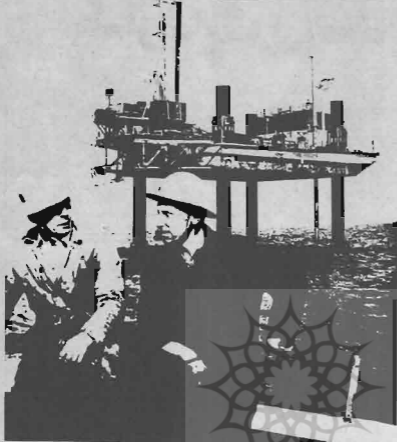
کسورهای عضو اوپیک با استفاده از این فرصت و تشکیل جلسات متعدد، سرانجام با تثبیت قیمت بر روی ۲۲ دلار به توافق رسیدند.
البته باید باین نکته توجه داشت که وقتی صحبت از ۲۲ دلار برای هر بشکه می‌شود، مقصود هر بشکه نفت سبک ۲۲ درجه برستان سعودی است و دیگر کسورهای عضو با توجه به وضعیت جغرافیایی و نوع و کیفیت نفت، قیمت خود را بر پایه آن تعیین می‌کنند.

کاهش قیمتها و درگیری‌های داخلی اوپیک

افزایش قیمت نفت از ۱۳ دلار به ۲۰ دلار باعث وارد آمدن یک شوک اقتصادی قوی به کشورهای صنعتی شد. این کشورها که سیاست صرفه جویی و جانشینی کردن منابع جایگزین را شروع کرده بودند، با افزایش شدید قیمت نفت سرمایه‌گذاری‌های وسیعتری را در این زمینه آغاز کردند. از سوی دیگر، کشورهای صنعتی به سرمایه‌گذاری برای اکتشاف نفت در سایر مناطق جهان نیز اقدام کردند و همچنین بهره‌برداری از منابعی که در گذشته استخراج نفت آنها به علت ارزان بودن قیمت نفت در بازارهای جهانی و بالا بودن هزینه تولید نظیر آلاسکا و نفت شمال مقرون به صرفه نبود، بار دیگر از سر گرفته شد. در همین راستا کشورهای نظیر انگلستان، نروژ، هلند، دانمارک، سوئد در اروپای شمالی، آلاسکا و کشورهای دیگر از جمله برزیل، مکزیک، مصر، آرژانتین، چین، هند، پاکستان، عمان و... به سرمایه‌گذاری در زمینه اکتشاف و استخراج نفت اقدام کردند. استخراج نفت در این مناطق و در نتیجه بالا رفتن تولید و عرضه نفت جهانی از یکسو و پائین آمدن مصرف جهانی از سوی دیگر سرچشمه شد که از اواخر ۱۹۸۱، اوپیک با پدیده عدم قدرت فروش نفت به قیمت‌های تعیین شده از جانب خود روبرو شود. در حالیکه تا پیش از سال ۱۹۸۱ اوپیک که در روز ۱۷ تا ۲۸ میلیون بشکه نفت تولید می‌کرد، از لحاظ فروش نفت به قیمت‌های تعیین شده، هیچگونه مشکلی نداشت، ولی بتدریج با کاهش شدن از مصرف نفت، قیمت نفت در بازارهای تک محصوله کاهش یافت و اوپیک مجبور به کاهش رسمی قیمت‌ها شد. وزاری نفت کشورهای عضو اوپیک در اجلاس مارس ۱۹۸۳ در لندن قیمت نفت را به ۲۹ دلار در هر بشکه کاهش دادند. در این کنفرانس همچنین برای اولین بار برای اعضاء محصوریت تولید برقرار شد و از آن پس سقف تولید نیز همچون قیمت‌ها از سوی کنفرانس وزاری اوپیک تعیین شد.

در این کنفرانس سقف تولید اوپیک، ۱۷/۵ میلیون بشکه در روز تعیین شد. پس از این کنفرانس و پدید آمدن آئین هوار، قیمت نفت، کسورهای عضو اوپیک بار دیگر در نوامبر ۱۹۸۳ تصمیم به کاهش سقف تولید و قیمت نفت گرفتند. در این کنفرانس سقف تولید اوپیک ۱۶ میلیون بشکه در روز و قیمت‌ها ۲۸ دلار برای هر بشکه تعیین شد. با توجه به مسائلی که عنوان شد مشاهده می‌شود که تولید اوپیک در فاصله سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴ از ۲۸ میلیون بشکه در روز به ۱۶ میلیون بشکه در روز به منظور حفظ قیمت‌ها کاهش یافت. ولی این کاهش‌ها نیز قهری نبودند و از دلیل تولید کسورهای غیر عضو به قیمت‌های بالاتر از قیمت رسمی اوپیک، نفت خود را عرضه می‌کردند و همچنین

تخلیف می‌کردند. گمان نفت در آن زمان و به منظور فروش نفت خود برای خریداران قائل می‌شدند و با عرضه نژادهای نفتی با قیمت پایین‌تر نسبت به قیمت رسمی، باعث تضعیف موضع اوپیک در بازار جهانی نفت شد.
البته آشکار می‌شود که هر چند که در حین برگزاری نشست اوپیک، با استناد به آن استدلال می‌کنند که در عین بالا رفتن مصرف انرژی، مصرف نفت در جهان کاهش یافته است. بنابراین آمار مجموع مصرف انرژی دنیا در سال ۷۳ از نظر ارزش سرانه برابر با سال ۷۰ میلادی بوده که این



در سال ۱۹۶۷ به دنبال جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل بسته شدن کانال سوئز، جریان نفت قطع و قیمت آن در بازارهای جهانی به شدت افزایش یافت.
کاهش تدریجی و قطع صادرات ۴/۵ تا ۵ میلیون بشکه‌ای ایران در جریان انقلاب، موجب جهش سریع قیمت نفت از بشکه‌ای ۱۳ دلار به ۴۰ دلار در سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۱ شد.

ظرفیت مازده تولید کسورهای عضو اوپیک، قیمت‌ها سر نزولی پیوسته و پس از این دوران، روند تحلیف اعضاء اوپیک به منظور جبران کسوف درآمد ارزی آغاز شد. اعضاء اوپیک به تمهیدات خود در مورد حفظ سقف تولید عمل نکردند و به تعلق در امر تولید پرداختند و در نتیجه با افزایش عرضه، قیمت‌ها بازهم سقوط کرد. نتیجه امر این شد که ۶ ماه قبل، عربستان و طرفدارانش با عنوان کردن مسأله کسب سهم عادلانه خود از بازار، از طریق افزایش تولید، وضعیت جدیدی را پیش روی بازار نفت و اقتصاد جهانی بوجود آوردند. در مقابل این نظریه، گروه طرفدار اوپیک، بحران بازار نفت را نه به دلیل پائین بودن سقف تولید کسورهای عضو اوپیک، بلکه برعکس به دلیل عدم پایبندی اعضاء به تولید بیش از سهم تعیین شده عنوان می‌کردند.

استانسه اوپک هدف، فروش نفت بیشتر نیست، بلکه هدف اوپک بالا بردن درآمد و جلوگیری از کاهش و سقوط قیمت است.

عربستان و هندوکش معتقدند اگر روان کاهش سلف تولید به شکل کمتری ادامه یابد، روزی خواهد رسید که اوپک دیگر وجود خارجی نخواهد داشت و کشورهای مصرف کننده نیزهای خود را از سایر منابع تهیه خواهند کرد.

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران و دیگر هندوکش معتقدند تولید کشورها غیرعضو اوپک که امروز بیش از سهم اوپک را به خود اختصاص داده اند از سال ۱۹۹۰ به بعد کاهش خواهد یافت و سرانجام کشورهای عضو اوپک هستند که باید انرژی مورد نیاز جهان را تأمین کنند.

در مقابل این استدلال، عربستان عدان می کند که اظهار این عقیده انکار پیشرفت تکنولوژی است. کشورهای صنعتی با استفاده از ذغال سنگ و انرژی هسته ای از نفت ما بی نیاز خواهند شد، ولی ما معتقدیم که انرژی هسته ای و ذغال سنگ به دلیل اوج ساختن محیط زیست با مسوودنهایی و روبرو است و میزان استفاده از آن انرژی چابکترین نفت تقریباً به حداکثر اشباع نزدیک شده و ادامه نخواهد یافت. مضافاً اینکه در پخش حمل و نقل، نفت ارزش طوره را همچنان حفظ کرده است، نظریه ای که نطقه مقابل اعتراض عربستان است.

عربستان و هندوکش، معتقد به بالا بردن نفت و پیمان آوردن قیمت نفت می باشد تا به این وسیله از سرمایه گذارهای جدید در زمینه اکتشاف منابع جدید چابکترین گزین منابع انرژی توسط کشورهای صنعتی جلوگیری کنند. در مقابل ما معتقدیم که این سیاسی که توسط دول صنعتی ایجاد شده است، حتی در صورت رسیدن قیمت نفت به سطح ۲ دلار در هر بشکه برای مقاله با ما ادامه می یابد و تولید باید درجه ای باشد که درآمد به حداکثر برسد. اما عربستان اظهار می دارد که در صورت پائین آمدن سلف تولید اوپک، تقریباً ۱۷۰ میلیارد بشکای روی دست ما خواهد ماند این اختلاف اساسی و عمده دو جناح در داخل اوپک است.

اهداف غرب و ایجاد تفرقه در میان اعضا اوپک

هدف غرب با توجه به مسائل متنوعی که با آن روبرو است و ایجاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن، تحصیل انرژی ارزان است.

در راس این کشورها آمریکا قرار دارد که با اروپائیان و آژانس بین المللی به این توافق رسیده است که قیمت نفت را در حد ۱۹ الی ۱۹ دلار ثابت و قیمت ها را تحت کنترل خود نگاه دارد. اگر اوپک از موضع قدرتمندی برخوردار باشد در مقابل این خواست غرب خواهد ایستاد. ثباتی ثباتی غرب اینکه در امر ارزان کردن قیمت نفت توفیق یابد و دیگر به کشورهای عضو اوپک برای تأمین سرش خود متکی نباشد.

به اعتقاد محصلی عربستانه سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ قیمت نفت که در پیش به آنها اشاره شد این حرکت غرب موجب کاسته شدن از تقاضای جهانی نفت اوپک شد. جای از این مسائل، غرب سعی در ایجاد دوستگی در میان اعضا اوپک داشته و دارد. نکته به کشورهای عضو اوپک نشان می دهد که تنها وجه مشترک این کشورها، تولید نفت از سوی آنان است. در حالیکه از لحاظ سیاسی و اقتصادی دارای تفاوت های عمیق هستند و اهداف گوناگونی در ذیال می کنند. به همین دلیل ایجاد تفرقه میان این کشورها به سهولت امکان پذیر است. جنگ میان عراق و ایران نیز به تفرقه و تنش میان اعضا، کمک کرده است.

دنیای غرب از ساله جنگ تعدیلی سود استفاده کرده و به شیوخ منطقه این چنین تقسیم کرده است که بسیاری ایران در جنگ با عراق به منزله پادشاه حکومتها شیوخ منطقه است و آنان برای ملگروندی از این امر ناگزیر به کمک به عراق هستند از سوی دیگر برای ملگروندی از پرتوی ایران

خرید های دولت و درآمد نفت و گاز در تأمین آن (ارقام به میلیارد ریال)

سال شمسی	مصرف از جمله مالی دولت	درآمدهای نفتی از نفت و گاز	درصد سهم نفت در تأمین هزینه ها
۱۳۵۲	۲,۱۹۲/۲	۱,۷۵۵/۸	۸۰/۱
۱۳۵۳	۱۹۸۵	۱,۳۴۳/۲	۶۸/۵
۱۳۵۴	۴,۲۷۷/۹	۱,۹۸۷/۸	۴۶/۸
۱۳۵۵	۲,۲۱۸/۲	۸۸۸/۸	۳۹/۳
۱۳۵۶	۲,۷۰۷/۸	۴۷۹/۳	۱۷/۳

مخارج گران اقتصادی و توان مالی بانک مرکزی سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹
در مصرف از هزینه های جاری، عمرانی و سایر بودجه ها است.

تقسیمات کلیت اعتبارات و بقدر در حال حاضر و بر مبنای حای آینده (ارقام به هزار بشکه در روز)

تقسیمات کلیت (۱۳۸۲)	تقسیمات استثنایی در حال ساختن	تقسیمات کلیت (۱۳۸۲)	تقسیمات در دست مطالعه و طرح روزی	مجموع کلی تقسیمات (۱۳۸۲)
۵۱۵	۵۱۵	۵۱۵	۵۰۰	۱۰۱۵
۱۷۰	۱۷۰	۱۷۰	-	۳۴۰
۵۰	۲۰۰	۲۰۰	۷۵۰	۷۵۰
۱۰	۵۰	۵۰	۰	۱۰۰
۱۹۰۰	۱۹۰۰	۱۹۰۰	۱۹۰۰	۷۶۰۰
۲۵	۲۵	۲۵	۱۸۵	۲۳۵
۲۱۰	۱۸۲۵	۱۸۲۵	۶۸۵	۳۶۰۰
۸۵	۸۵	۸۵	۸۰	۳۵۰
۱۲۰	-	۱۲۰	-	۱۲۰
۲۰	-	۲۰	-	۲۰
۲۲	-	۲۲	-	۲۲
۱۳۰	-	۱۳۰	-	۱۳۰
۱۳۰	-	۱۳۰	-	۱۳۰
۲۰	-	۲۰	-	۲۰
۲۹۰	-	۲۹۰	-	۲۹۰
۱۳۰	-	۱۳۰	-	۱۳۰
۲۹۰	-	۲۹۰	-	۲۹۰
۸۳۵	۱۰۸	۲۱۵	۳۰۵	۱۳۵۵
۱۳۰	-	۱۳۰	-	۱۳۰

مجموع اعتبارات کلیت اعتبارات و بقدر در حال حاضر و بر مبنای حای آینده (ارقام به هزار بشکه در روز)

مجموع تولید و مصرف داخلی و صادرات خام و فرآورده و میزان تأمین خود را به باشگاهها و دستگاههای نظریه داخلی کشور ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰
مهرال بشکه در روز

سال	مصرف داخلی خام	تولید داخلی خام	تولید داخلی فرآورده	مصرف داخلی فرآورده
۱۳۷۰	۸۳۸	۳۹۱	۳۹۱	۱۲۲۹
۱۳۷۱	۸۳۲	۳۸۵	۳۸۵	۱۲۱۷
۱۳۷۲	۱۱۹۹	۳۶۸	۳۶۸	۱۵۶۷
۱۳۷۳	۱۱۹۹	۳۶۸	۳۶۸	۱۵۶۷
۱۳۷۴	۱۵۲۲	۳۹۰	۳۹۰	۱۹۱۲
۱۳۷۵	۱۳۸۸	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۷۸
۱۳۷۶	۱۲۳۲	۳۹۰	۳۹۰	۱۶۲۲
۱۳۷۷	۱۲۳۲	۳۹۰	۳۹۰	۱۶۲۲
۱۳۷۸	۱۳۰۵	۳۹۰	۳۹۰	۱۶۹۵
۱۳۷۹	۱۳۲۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۱۱
۱۳۸۰	۱۴۰۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۹۱
۱۳۸۱	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۸۲	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۸۳	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۸۴	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۸۵	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۸۶	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۸۷	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۸۸	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۸۹	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۹۰	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۹۱	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۹۲	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۹۳	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۹۴	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۹۵	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۹۶	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۹۷	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۹۸	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۳۹۹	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱
۱۴۰۰	۱۳۹۱	۳۹۰	۳۹۰	۱۷۸۱

مجموع تولید و مصرف داخلی و صادرات خام و فرآورده و میزان تأمین خود را به باشگاهها و دستگاههای نظریه داخلی کشور ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰
مهرال بشکه در روز

«اوپک» درافت و خیز یک ربع قرن تندباد حوادث

لازم است تا از لحاظ مالی، اقتصادی، ایران تحت فشار قرار داده شود که این امر در بلند مدت به نفع شیوخ منطقه خواهد بود.

این مقاله در رابطه با کنفرانس منطقه یعنی ایران، عراق، عربستان، کویت، قطر و امارات متحده که حدوداً ۸۰ درصد نفت اوپک را تولید می کند ارتباط دارد. کنفرانسهای آفریقای عضو اوپک یعنی الجزایر، لیبی، گابن، ایتکه نیز به عضو دیگر افریقای اوپک کنسروی بسیار مفروض است و به لحاظ وامهای دریافتی از بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، بشدت تحت نفوذ سرمایه داری جهانی قرار دارد.

در منطقه آمریکا، اکوادور، و ونزوئلا قرار دارند. اکوادور، به دلیل وابستگی سیاسی به آمریکا و وابستگی شدید به فرآیندهای نفتی از سیاستهای غرب به سروردگاش قیمت نفت پیروی می کند.

ونزوئلا نیز به علت فروش سنگین خود و وضعیتی مشابه نچیر به وارد اکوادور و ونزوئلا رئیس به مخالفت در جنگ خلق فارس نماند.

از سوی دیگر به دلایل سیاسی، اقتصادی و نظامی، قدرت عربستان دقیقاً از سیاستهای آمریکا در مورد ایران شدن نفت حیاتی می کند. عربستان از ابتدای تاسیس

حسی اگر از امروز نیز حرکت به سوی رهائی از اقتصاد تک محصولی آغاز شود، حداقل تا ده سال آینده به شدت به نفت وابسته خواهیم بود.

عربستان معتقد است در صورت کاهش سقف تولید اوپک، ذخیره ۱۷۰ میلیارد شکه ای در دست اوپک خواهد ماند.

اوپک، همواره با افزایش قیمت نفت مخالفت کرده است و این موضوع صیدنی نیست، در نتیجه پیروزی انقلاب اسلامی نیز که به دلیل قطع صادرات نفت ایران به میزان ۵ میلیون بشکه در روز، بازار با بحران روبرو و قیمت رسمی هر بشکه نفت از سوی اوپک ۳۶ دلار تعیین شد، عربستان و امارات هرچگونه لغت خود را پیش از شکه ای ۳۲ دلار بفروش نرساندند و بالاخره نیز با اصرار فراوان آنها، اوپک تاچار به تعیین ۳۴ دلار برای هر بشکه شد.

این انگیزه عربستان، یک دلیل اقتصادی دارد که عبارت است از در اختیار داشتن منابع تریب میلیون تنی نفتی جهان و با توجه به این مقاله به منظور جلوگیری از جایگزینی منابع دیگر به جای نفت، معتقد به افزایش نفتی قیمت نفت است. در این راستا عربستان سعی دارد تا کنفرانس دیگر مانند کویت، قطر، امارات متحده و... را نیز با خود همراه سازد.

سایر اعضاء اوپک مانند الجزایر، لیبی، گابن، اکوادور و ونزوئلا به دلیل اینکه ذخایرشان تا ده سال دیگر دیگر پایان می پذیرد، فربهی کسب حداکثر درآمد در کوتاه مدت از راه

و وجود اید و شیوخ منطقه با نرس از اوضاع موجود احساس حمله ایران به آنها به عراق کمک کرده و از نفت بحرانی هرچه ای علیه ما استفاده کرده و همرا عربستان به منظور سر به زدن به ایران از کاهش قیمت نفت ولویه ضرر خود حمایت کنند به عنوان نمونه، کویت به علت پایین آمدن قیمت نفت، مجبور به فروش سهام خود در شرکت های نفتی شده است. با عربستان که سالانه، نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار از نفت خودهای ارزی خود به منظور جبران کسری بودجه خود برداشت می کند و حتی اعلام کرده سال جدید خود را خود یک سال به تحویل رسانده است.

امارات نیز چندی پیش به علت مسائل مالی، در ماه پرداخت حقوق کاردانان خود را به تعویق آمانعت، هرست است که اینها از ذخایر ارزی قابل توجهی برخوردارند و ولی بدلیل اینکه این ذخایر را در امور مختلفه سرمایه گذاری کرده اند و به صورت سرمایه در اختیار آنها نیست، مشکلات مالی برای آنها نیز وجود دارد.

بر پایه محاسبات انجام شده در ۶ ماهه اخیر، کشورهای عضو اوپک، مجموعاً ۲۲ میلیارد دلار از کاهش قیمت نفت متضرر شده اند.

پیش بینی قیمت نفت

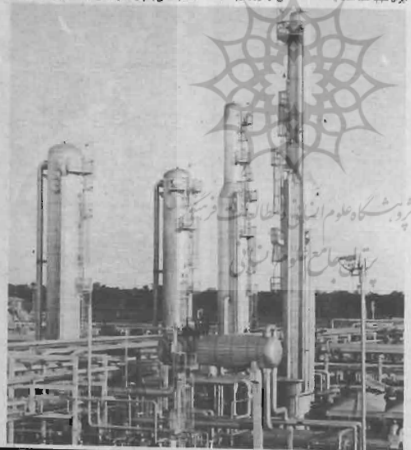
برای پیش بینی قیمت نفت در آینده باید به مسائل فراوان توجه داشت. اول اینکه پیش بینی قیمت نفت در ۳ مقطع زمانی باید صورت بگیرد. کوتاه مدت که پیش بینی قیمت ها طرف کار می کند البته است. میان مدت که معمولاً زمانی برابر ۳ سال را مورد نظر دارد و بلند مدت که زمانی ۱۰ ساله را در برمی گیرد.

از سوی دیگر همچون سایر بده های اقتصادی، قیمت نفت بستگی به بده عرضه و تقاضا دارد. معضات بر اینکه

افزایش هر چه بیشتر قیمت نفت هستند البته ایران و عربستان در این زمینه اختلاف دیگری نیز با یکدیگر دارند. ما (ایران) معتقدیم که تولید نباید افزایش یابد. نفت ماهی است که باید نالی معاند، چرا که با پیشرفت تکنولوژی مصارف فراوانی برای آن پیدا خواهد شد و نفت پیروی نیست که کم از کم شروع ما باید سعی کنیم حتی در کوتاه مدت و میان مدت با تحصیل حداکثر درآمد، این درآمد را در صنایع زیربنایی و متناهی که به ما قدرت مبارزاتی می دهد، سرمایه گذاری کنیم. این امر انحصار ما را پس از پایان پذیرفتن نفت از آسیب دیدگی نجات می دهد.

معضلاتی که مشاهده می شود پیش از پیس از انقلاب اسلامی، دیدگاههای ایران و عربستان در مورد مسئله تولید و قیمت نفت از اختلاف عمیقی برخوردار بوده است. عربستان معتقد به تولید انبوه و قیمت پایین نفت است و ما معتقد به تولید درحی که قیمت به حداکثر و میزان درآمدهای نفتی نیز به حداکثر برسد می باشیم. البته اعضاء اوپک نیز به دلیل ظرفیت محدود ذخایر خود به همین نیز اکتفا دارند.

مشاهده می شود که این تنش است آرا و تفاوتی خواستهای سیاسی - اقتصادی و منطقه ای باعث از رفتن اتحاد میان اعضاء اوپک شده است. مسائلی اینکه جنگ میان عراق و ایران سبب شده است یک تنش اضافی در فرون اوپک به



سال	صادرات غیرنفتی	کلیه دارایی ارزی کشور نفتی و غیر	درصد غیرنفتی به کل دارایی ارزی
۱۳۵۵	۵۶	۲۲۳/۸	۲/۲
۱۳۵۶	۵۲۲	۳۳۳/۲	۱/۶
۱۳۵۷	۵۳۲	۳۸۰/۲	۱/۴
۱۳۵۸	۸۱۲	۲۹۹/۷	۲/۳
۱۳۵۹	۲۶۵	۱۲۱۳/۲	۵/۲
۱۳۶۰	۳۲۲	۱.۷۶۵	۳/۸
۱۳۶۱	۳۲۲	۲۲۰۰/۵	۱/۶

مجموعه آمارهای سالانه از ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۱ بر پایه بانک مرکزی
 ۱۳۶۰ آمار جاری خالص ایران ۱۳۶۰ گمرک ایران
 ۱۳۶۱ آمار جاری خالص ایران ۱۳۶۰ گمرک ایران
 در خردادماه سال ۱۳۶۱

در مورد نفت، عرضه و تقاضا و همچنین قیمت سایر انواع انرژی مانند انرژی هسته‌ای و ذغال سنگ نیز نقش دارد. همچنین میزان مصرف جوی در مصرف نفت نیز در این میان دخالت موثر دارد. بنابراین تنها عرضه و تقاضای نفت نیست که قیمت را تعیین می‌کند. قیمت تمام شده برآورد انرژی هسته‌ای و ذغال سنگ و قیمت تمام شده نفت سایر کشورهای تولید کننده غیر عضو اوپک در تعیین قیمت رسمی نفت از سوی اوپک تاثیر می‌گذارد.
 در طول این مدت، کاهش گدازنده که نامش به ما سایر کشورهای تولید کننده غیر اوپک نامش و هماهنگی برقرار زیر کنترلی وارد می‌شود.

هزار تن بر تن	هزار تن بر تن	هزار تن بر تن	هزار تن بر تن
۲/۲	۲۲/۵	۵/۱	۹/۸
۱	۷/۹	۱/۲	۱۲/۳
۵/۲	۵۲/۵	۶/۳	۹/۸
۴/۳	۲/۲	۰/۲	۱۲/۲
۰/۲	۱/۸	۰/۲	۱۲/۸
۶/۷	۲/۸	۰/۲	۱۲/۲
۲/۸	۲/۷	۰/۲	۲۷/۷
۰/۲	۲/۲	۰/۲	۱۲
۱۱/۲	۸۱/۲	۱۲/۲	۲۵/۲
۱	۷/۷	۱/۸	۳۲/۷
۱/۸	۱۲/۲	۱/۹	۱۵/۲
۰/۲	۲/۸	۰/۵	۱۵/۸
۳/۲	۲۲/۶	۳/۵	۱۸/۷
۲	۳۰/۲	۲/۵	۱۱/۲
۰/۲	۱/۲	۰/۲	۱۱/۲
۷	۵۱	۷/۵	۵۵/۲
۵/۸	۲۲	۲/۲	۵
۸/۸	۶۲/۸	۸/۸	۵
۷/۸	۵/۸	۰/۸	۰/۲
۰/۲	۵/۸	۰/۲	۰/۲
۰/۲	۵/۸	۰/۲	۰/۲
۲۲/۶	۱۲/۶	۰/۵	۲۹/۲
۰/۲	۱۲/۶	۰/۲	۸۶/۲
۰/۲	۱۵/۵	۰/۲	۲۵/۶
۰/۲	۰/۷	۰/۱	۲۲/۹
۵/۲	۲۹/۱	۵/۵	۸۵/۱
۱/۲	۹/۲	۱/۲	۱۷/۱
۰/۲	۱/۲	۰/۲	۳
۰/۵	۳/۵	۰/۵	۱۶/۵
۲/۸	۲۱/۳	۲/۱	۵۲/۲
۲/۸	۱۲/۶	۲/۲	۳۶/۲
۰/۲	۱/۸	۰/۳	۲۲
۰/۲	۲/۸	۰/۲	۱۸/۶
۵/۲	۵۶/۶	۸/۲	۳۲/۲
۰/۲	۰/۲	۰/۲	۲
۰/۲	۱/۲	۰/۲	۲۱/۲
۰/۲	۹	۱/۳	۱۶/۲
۰/۲	۰/۲	۰/۲	۲۰/۲
۰/۲	۰/۲	۰/۲	۷/۲
۰/۲	۳/۵	۰/۵	۱۸/۸
۰/۲	۰/۲	۰/۲	۷/۵
۰/۲	۱/۲	۰/۲	۱۰
۰/۲	۱/۲	۰/۲	۳۲
۰/۲	۱۱	۲/۸	۱۸
۸/۵	۵۹/۲	۸/۶	۴۰
۹/۲	۳۵۲/۲	۱۰۰	۳۲/۲
۶/۱	۲۹۸/۲	۶۶/۱	۶۸/۱

در آینده کوتاه مدت یعنی حداقل تا پایان سال جاری مسجی، قیمت‌های نفت افزایش چشمگیری نخواهد یافت. این امر به این دلیل است که در ماههای ژوئن، ژوئیه و اوت، کشورهای عضو اوپک، جمعا ۱۲۰ میلیون بشکه اضافه تولید داشته‌اند که به مصرف نرسیده است و در بازار موجود است. در این مدت کشورهای غیر اوپک همچنین ۱۴۰ میلیون بشکه فرآورده اضافه بر نیاز و تقاضای جهانی تولید کرده‌اند. این مجموع ۲۰۰ میلیون بشکه نفت و فرآورده مازاد، هرگز در مصرف نفت در زمان آینده است. به دلیل همین ظرفیت مازاد، ما پیش‌بینی افزایش چشمگیر قیمت نفت را نمی‌کنیم و فکر می‌کنیم اگر اعضای اوپک به تعهد خود عمل می‌کنند بر سطح سهمیه تولیدی خود پایبند باشند تا پایان اسفند آینده به سطح ۱۵ تا ۱۷ دلار خواهد رسید. در میان مدت و بلندمدت، قیمت‌ها بستگی به سیاست‌های اتخاذ شده اوپک و همکاری اعضای اوپک دارد.

در بلندمدت وضعیت قیمت نفت رو به بهبود خواهد گذاشت. به دلیل اینکه کشورهای غیر عضو اوپک به تدریج میزان تولیدشان رو به کاهش می‌گذارد. در فاصله سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷، کمیود عرضه نفت در جهان بهبود خواهد آمد و بنابراین قیمت نفت افزایش می‌یابد.

در سال ۲۰۰۰ میلادی، اوپک به دلیل کمیود عرضه نفت از سوی سایر کشورها ناگزیر به تولید یا حداکثر ظرفیت خواهد بود. در این زمان کنترل قیمت نفت محدود است و اوپک فرار می‌گیرد.

آینده اوپک

پیش‌بینی آینده اوپک بسیار مشکل است. اگر اوپک از هم بترکند و به حیات خود ادامه دهد، اعضای اوپک در ده سال آینده از اعضای کنونی محدودتر خواهند شد. یعنی اوپک به عراق، کویت، عربستان، قطر، امارات متحده و جمهوری اسلامی ایران محدود می‌شود. به دلیل بزرگ در ده سال آینده، سایر کشورها به علت پایان یافتن ذخایر نفتی و یا کاهش شدید ذخایر، مجبور به کنارگیری از اوپک خواهند شد و تنها کشورهای پائین‌تولید نفتی و اساسی در اوپک خواهند داشت.

اهمیت نفت در تامین انرژی جهان در آینده

اهمیت نفت بیشتر در بخش حمل و نقل است. چرا که انرژی که پیش‌بینی می‌شود اکثر نیازهای بخش‌های صنعت، برق، تولید بخار در کشورهای صنعتی در آینده‌ای نه چندان دور از طریق ذغال سنگ و نیروی هسته‌ای تأمین خواهد شد. وی بخش حمل و نقل بخشی است که در انحصار نفت باقی خواهد ماند و به اصطلاح در حضور انرژی مورد نیاز جهان در آتی به تکیه بر آمار موجود، نفت تنها در بخش حمل و نقل نقش اساسی در عهده خواهد داشت.

«اوپک» در افت و خیز یک ربع قرن تندباد حوادث

تنها وجه مشترک کشورهای عضو اوپک، تولید نفت است و به لحاظ تفاوت های عمیق سیاسی، اقتصادی آنها، ایجاد دو دستگی در این سازمان به سهولت امکان پذیر است.

دورنمای نقش نفت در اقتصاد داخلی ایران

در این مورد نظرات مختلفی از سوی مقامات و مسئولان کشور عنوان شده است. آنطور که آمار و ارقام نشان می دهد حتی اگر از امروز نیز حرکت به سوی رهایی از اقتصاد تک محصولی آغاز شود، حداقل تا ده سال آینده به شدت به نفت وابسته خواهیم بود. بررسی آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد که در گذشته نقش نفت همواره، در اقتصاد ایران افزایش پیدا کرده است. یعنی سهم بیشتری از تولید ناخالص ملی به نفت اختصاص یافته است. از سال ۱۳۳۷ تا به امروز، اهمیت نفت در اقتصاد کشور روز به روز افزایش یافته است. در حال حاضر درآمد نفت در حدود ۹۷ درصد از نیازهای ارزی کشور و حدود ۷۵ درصد بودجه کشور را تأمین می کند. بنابراین در هر انگشتی که برای جانشین کردن سایر بخش ها به جای نفت در نظر می گیریم، باید بینیم که این امر در چه فاصله زمانی امکان پذیر است. به نظر من، ما نمی توانیم زودتر از حداقل ده سال، نفت را به صورت مؤثر با سایر عوامل تولید در اقتصاد داخلی خود عوض کنیم. یکی از بخش هایی که شایان توجه فراوان است بخش کشاورزی است. کشاورزی در نقش در خودکفایی کشور بر عهده دارد. یا خودکفایی در کشاورزی و قطع واردات محصولات غذایی، سالانه در حدود ۳ میلیارد دلار از خروج ارز در کشور جلوگیری می شود.

این بخش از بخش هایی است که استعداد بالقوه برای جایگزینی در برابر نفت را دارد. ولی باید توجه داشت که خودکفایی و خودکفایی کشاورزی به سرمایه گذاری احتیاج دارد. بخشی از این سرمایه گذاری، سرمایه گذاری ارزی است. منابع ارزی کشور نیز نیاز به سرمایه گذاری دارد تا بتوان از منابع ارزی کشور به صورت مطلوب استفاده کرد و به این ترتیب سطح زیر کشت محصولات کشاورزی را بالا برد. بخشی از این سرمایه گذاری، سرمایه گذاری ارزی است. مسأله دیگر استفاده از منابع نفتی در داخل کشور است. ما یکی از بر مصرف ترین کشورهای دنیا در لحاظ سوخت هستیم. میزان مصرف نفت در کشورهایی مانند پاکستان یا چین از ۸۰ میلیون تن در چین و ۱۲۰ میلیون تن در آمریکا به بیش از ۱۶۰ میلیون تن و همچنین تن با جعبی نزدیک به یک میلیارد تن را ما کمتر است. کشور ما ۲۵ میلیون تن سوخت، نزدیک به یک میلیون تنگه نفت در روز مصرف داخلی دارد و متأسفانه این میزان سالانه ۶ تا ۸ درصد رشد دارد. این میزان مصرف در دنیا می سابقه است. دلیل این مصرف بالا، غیر اقتصادی بودن معارف گریگون در کشور است. ایرواسیون غیر صحیح متازول، وسایل گرانترای مصرف غیر اقتصادی، اتومبیل های مصرف و مواروی از این قبیل، دلیل این مصرف بی رویه است. به عنوان مثال در مورد اتومبیل، همواره ورود تکنولوژی جدید عدم فعالیت کارخانه های اتومبیل سازی داخلی در امری موتورهای یا سوخت کمتر و رشد روز افزون اتومبیل در داخل کشور موجب شده است که از این جهت، مصرف کمتر با سرعت زیادی در این زمینه افزایش یابد. این موضوع سبب شده است که مصرف روزانه کشور یک میلیون تنگه نفت در روز باشد. این حجم بالای مصرف، اثر عمده بر اقتصاد کشور دارد. اول اینکه ماچای صادرات این حجم از نفت از ما داخل مصرف می کنیم و دوم اینکه به علت آسیب دیدن پالایشگاههای کشور از جمله آبادان و پاختران نیز به واردات مواد نفتی افزوده است و هم

درصد استفاده از ارزی های متفاوت سبب به کل ارزی مصرفی در هر سال

سال	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳
ذغال سنگ	۲۸/۵۵	۲۹/۹۲	۲۹/۸۵	۲۹/۸۰
نفت	۲۲/۶	۲۳/۰۶	۲۱/۰۹	۲۱/۰۹
کاز	۱۸/۱۱	۱۸/۳۸	۱۸/۳۸	۱۸/۳۸
ارزی هسته ای	۲/۸	۲/۱۲	۳/۲۲	۳/۵۰
هیدروالکتریک	۶/۲۷	۶/۳۹	۶/۶۹	۶/۹۳
آبرنگ	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳
ذغال سنگ	۲۰/۸۷	۲۲/۱۷	۲۲/۹	۲۲/۸۵
نفت	۱۲/۷۷	۱۳/۲	۱۲/۱	۱۲/۹۱
کاز	۲۶/۳۲	۲۶/۶۸	۲۵/۷۳	۲۴/۸
ارزی هسته ای	۲/۶۱	۲/۰	۲/۲۱	۲/۴۲
هیدروالکتریک	۶/۱	۶/۱	۶/۹۸	۵/۳۲
آبرنگ	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳
ذغال سنگ	۲۲/۵۲	۲۱/۹۲	۲۲/۹۱	۲۱/۷۷
نفت	۵۲/۲۲	۲۲/۶	۲۸/۵۱	۲۷/۰۱
کاز	۱۴/۲۳	۱۴/۷۷	۱۴/۱۵	۱۴/۳۸
ارزی هسته ای	۲/۰۲	۵/۹۱	۶/۲	۷/۲۸
هیدروالکتریک	۷/۹۸	۸/۳۳	۸/۵۳	۹/۰۹

داریم و اگر این امر متعلق پیدا کند، قطعاً قدرت صادراتی ما رو به کاهش می گذارد. بخش بندی، بخش صنعت است که به سرمایه گذاری در جهت افزایش صادرات و تأمین نیازهای داخلی احتیاج دارد. نیازهای داخلی را نباید فراموش کرد. اگر در داخل کشور امکان تولید پتروشیمی وجود نداشته باشد، ناچار از واردات آن خواهیم بود.

اگر مواد مورد نیاز ساخت کالاهای انشون در داخل تولید کرد تاگزیر از واردات آن خواهیم بود.

ما بر این ما تاخیرم در صنایع زیربنایی مانند جاده سازی، گسترش خط آهن برقی و راهمایی، آب، نفوذ صنایع

اکتور در حدود یک میلیارد و پانصد میلیون دلار ارز صرف واردات نفتی کشور می شود. برای مثال یک لیتر گازوئیل با یک لیتر نفت وارداتی در حدود ۳۰۰ ریال ارزش دارد و دولت برای اینکه سوخت به قیمت ارزانی در اختیار عموم قرار گیرد تاگزیر به پرداخت بدهی است. بنابراین یکی از راههای خودکفایی، صرفه جویی در مصرف است.

برای این صرفه جویی باید از تکنولوژی در امر ایرواسیون متازول، پلاستی و استفاده موتورهای با سوخت کمتر و رانندگی با موتورهای با سوخت کمتر استفاده کنیم. اگر این تغییرات آنتیپید نشود، ما روند کنونی باگزیریم طرفه هر سه سال یک پالایشگاه جدید می کشور احداث کنیم و احداث هر پالایشگاه در حدود ۱/۵ میلیارد دلار هزینه در بر دارد.

با افزایش شدید قیمت نفت در سال ۱۹۷۹، کشورهای صنعتی سیاست تصرف جنوبی در مصرف نفت و جانشین کردن منابع جایگزین را که از سال ۱۹۷۳ (اولین بلوک نفتی) آغاز کرده بودند، گسترش دادند.

بالا رفتن تولید و عرضه نفت به بازارهای جهانی از یکسو و پایین آمدن مصرف جهانی از سوی دیگر، از اواخر سال ۱۹۸۱ اوپک را با پدیده عدم فروش نفت به قیمت های تعیین شده روبرو کرد.

فولاد، صنایع ترمه و صنایع التومبیل و سرمایه گذاری کنیم و با خودکفایی در صنایع مادر، به تدریج از وابستگی به خارج بکنیم.

ولی باید توجه داشت که خودکفایی در این صنایع نیز آنچه که عنوان شده است صرفاً برای حداقل ده سال، زمان لازم است تا به خودکفایی دست یابیم. این نیز به سوری است که از همین امروز و با برنامه ریزی بسیار دقیق با نگرش به آینده برنامه خروج از وابستگی و خودکفایی کشور را به مرحله اجرا درآوریم.

ما به نفع به اینکه تولید کننده نفت هستیم، در عین حال از لحاظ مصرف به نفت و فرآورده های آن وابسته ایم. چرا که به دلی، عدم کشت پالایشگاه های موجود، ما به واردات فرآورده های نفتی، انهم با صرف مبلغی در حدود ۱/۵ میلیارد دلار نیز داریم. بنابراین نتیجه می گیریم که یکی از بخش هایی که برای خودکفایی، نیاز به توجه وسیع دارد بخش نفت است. این بخش، محتاج سرمایه گذاری در امر توزیع گاز، احداث پالایشگاه و سرمایه گذاری در امر اکتشاف برای بالا بردن بازده نفت است. ما برای افزایش صادرات نفت به سرمایه گذاری بیشتر در این بخش احتیاج